

قدرت سیاسی فرانسه و گسترده گی فشار علیه کارگران!

احمد بخردطبع

سرمایه داری بمثابه انکشاف هر چه بیشتر سودآوری است و نرخ افزایش آن متناسب با نرخ کاهش معیشتی کارگران خواهد بود، در نتیجه پیشبرد چنین موازینی که در اعمال ترفند ساختارانه ی آن نهفته است، نمی تواند با مفهوم دموکراسی و یا آزادی های اجتماعی هماهنگ گردد، جز آنکه چشمان خود را در برابر واقعیت ها ببندیم و از اعماق و ریشه ی وجودی آن فاصله گرفته و اسیر ظاهر سازی آن شویم. اینگونه ظاهر سازی های فریبکارانه در تمام مفاهیم آزادی سر برون می آورد و تا اعماق ادعاهای کاذبی پیش میرود که بر پایه آن فرانسه را سمبل "حقوق بشر" ، می داند. لیکن این قصرهای کاغذی آزادی در تندپیچ های اجتماعی فرو می ریزند و چهره ی واقعی آنها آشکار می شوند. سرمایه داری در تمام جوامع اینگونه عمل می کند ولی در فرانسه به دلیل مبارزات آزادیخواهانه و نیز طبقاتی که از اواخر قرن هیجده و بویژه از زمان استقرار کمون بر مبنای حکومت شورایی در پاریس، گسترش یافته بود، بیش از سایر ممالک حرافی های فریبکارانه اجتماعی را در حاکمیت سیاسی نشان می دهد که سعی میکنم اشاراتی بدانها داشته باشم.

نظام سرمایه داری فرانسه همواره به حقوق کارگران تجاوز می نمود که بویژه از قرن بیست و یکم به تهاجمات حقوقی شدت هر چه بیشتری بخشیده است که می توان چنین تجاوزات را در تعیین سن بازنشستگی، تغییر قانون کار و هم چنین کاهش مبلغ دوره ی بیکاری و نیز کاهش مدت زمان بهره برداری از حقوق بیکاری و... را مد نظر قرار داد. واقعیت این است که بخشی از مهم ترین شاخص های حقوقی از دست رفته کارگران را که بویژه از زمان ریاست جمهوری نیکلا سارکوزی تا به امروز صورت گرفته است، اتحادیه های کارگری نتوانستند با بسیج همه جانبه و با یک اعتصاب مداوم و پیگیرانه ی عمومی بدست آورند و حاکمیت سیاسی و ضد کارگری فرانسه را به عقب نشینی وادارند. چندی پیش نیز حتا دولت از توافق حق بازنشستگی بخشی از کارگران راه آهن که عمدتن بوسیله ی

چهار سندیکایی که در آن فعالیت دارند با ریاست SNCF (بخش کل راه آهن فرانسه) عقب نشینی نمی نمایند و رئیس آن بنام "ژان - پی یر فراندو" Jean-Pierre Farandou که این توافق را با سندیکاها به امضا رسانده بود، مورد مواخذه قرار می دهد که در زیر بدان خواهیم پرداخت. از سال 2010 که نیکلا سارکوزی در حاکمیت قرار داشت سن بازنشستگی از 62 سال به 64 افزایش می یابد و مبارزات میلیونی کارگران بویژه با سازش دو سندیکای بزرگ یعنی "س اف د ت" و "س ژ ت" با حاکمیت سیاسی وقت، با شکست مواجه می گردد. زیرا این دو سندیکای بزرگ با تداوم مبارزه و اعتصاب مداوم و پیگیرانه ی عمومی مخالفت نمودند که اختلافات قابل توجه ای را در این زمینه موجب گردید. از جمله در همان زمان، سندیکای س ز ت از استان "پیکاردی" ریاست این سندیکا را خیانتی نسبت به منافع کارگری دانست و آنرا محکوم نمود. ولی آنچه که به کارگران راه آهن فرانسه مربوط می شود، دارای ویژه گی هایی است که به دلیل انجام فعالیت های دشوار شغلی می توانند با خواست و اراده خود دو سال زودتر از سن رسمی، بازنشسته شوند، که بی تردید حق مسلم آنهاست. ولی چنین حقوقی باید برای مجموعه ی کارگران فرانسه در نظر گرفته شود و برعکس سن بازنشستگی را از 64 سال به موازین قبل از 2010 به 62 سال تقلیل دهد که مبارزه ی پیگیرانه ای را می طلبد که فقط از راه اعتصاب عمومی میتواند به نتیجه رسد و در این راه نه ریاست بروکراتیک اتحادیه ها که از بالای سر کارگران تصمیم گیری میکنند، بلکه به "کمیته اعتصاب" و "مجمع عمومی" کارگری نیاز خواهد داشت که بدون سازش های بروکراتیک، قدرت سیاسی فرانسه را مجبور به پذیرش آن نماید. بگذار کلاه مخملی های "کارگری"، پاریس در وصف اتحادیه های فرانسه، تفسیرهای خلاف واقعیت ارائه دهند و آنها را انقلابی بخوانند و نوشته ها بر صفحه ی کاغذ را - که اتفاقن درست بوده است - با پراتیک یکی انگارند و مواضع شوونیستی دفاع طلبانه اکثریت رهبری سندیکای س ژ ت در رابطه با جنگ جهانی اول که کارگران فرانسه را برای دفاع طلبی از میهن فرا می خواند و با چنین سیاستی علیه مواضع انقلابی لنین و رزا لوکزامبورگ و لیکنشت قرار می گرفت، مخفی بماند و این گونه از واقعیت ها فاصله گیرند، نتیجه آنکه با طرح دروغ و ریاکاری به جنبش کارگری خیانت می ورزند.

واقعیت اینست که در تمام سندی‌کاه‌های بروکراتیک نیز کمونیست‌های انقلابی به دلیل موجودیت کارگران، مجبور به فعالیت می‌باشند، ولی در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز قادر به عملی ساختن و اتخاذ تصمیم نهایی نیستند.

فرانسه مطابق با آخرین آمار اخذ شده تا پایان سال 2023 دارای 68 میلیون جمعیت است که بر مبنای مرکز آمار "انسی" Insee از سال 2018 تا 2021 به میزان 30 میلیون و پنجاه و یک هزار از زنان و مردان کارگر شاعل می‌باشند که همراه خانواده، اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند که در آن نرخ کارگران مهاجر و نسل بعدی آنها نیز مشخص شده است. در چنین رابطه‌ای آموزگاران پایه‌ی کارگری دارند و مطابق آمار رسمی تا سال‌های 2021 و 2022 باز بوسیله‌ی "انسی" یک میلیون و دویست و دو هزار و نهصد پرسنل آموزشی مشغول به کار می‌باشند که میزان کارگران شاغل در فرانسه را افزایش میدهد که در سه جدول آماری زیر مشاهده می‌شود.

► 1. Taux d'emploi selon les caractéristiques des personnes

en %

	1975	1985	1995	2005	2015	2020	2021
Personnes en emploi (en milliers)	22 347	22 772	23 493	25 709	26 645	27 246	27 728
Taux d'emploi des 15-64 ans	66,6	61,9	61,5	64,2	64,7	66,1	67,3
Sexe							
Femmes	51,7	51,7	54,9	59,5	62,1	63,6	64,5
Hommes	81,7	72,3	68,2	69,0	67,4	68,7	70,1
Âge							
15-24 ans	53,8	40,7	29,6	30,4	28,5	28,9	32,2
25-49 ans	76,9	79,0	79,9	81,3	80,0	81,1	81,8
50-64 ans, dont :	58,1	46,9	44,9	54,7	60,6	64,5	65,3
60-64 ans	40,5	20,8	11,4	14,8	29,1	34,6	35,5
Statut d'immigration							
Immigrés	nd	nd	nd	nd	55,8	60,1	61,2
Descendants d'immigrés	nd	nd	nd	nd	59,2	58,9	59,4
Sans ascendance migratoire directe	nd	nd	nd	nd	66,5	67,9	69,1

nd : non disponible.

Lecture : en 2021, 64,5 % des femmes de 15 à 64 ans sont en emploi.

Champ : France hors Mayotte, personnes vivant en logement ordinaire, âgées de 15 à 64 ans.

Source : Insee, enquêtes Emploi, séries longues sur le marché du travail.

Les personnels et établissements

1 202 900
personnels

sont affectés
à l'Éducation
nationale
en 2021-2022

dont :

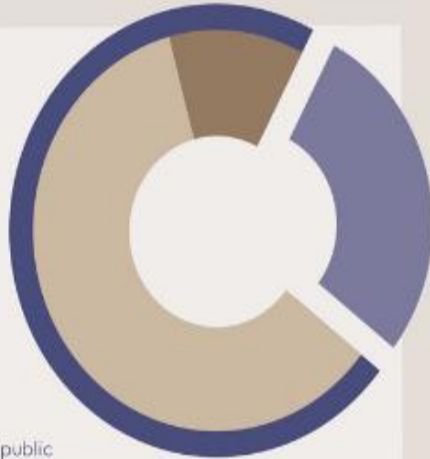
■ **859 000**
enseignent
dans les écoles
et établissements
dont

■ **717 800** dans le public

■ **141 200** dans le privé sous contrat

■ **332 800**

personnels exercent des missions d'assistance éducative,
d'administration, de direction, d'animation pédagogique,
de soutien à l'enseignement, d'inspection, etc.



59 260 écoles et établissements du 2^d degré

(MEN)


48 580 écoles


6 960 collèges


**3 720 lycées
et EREA**

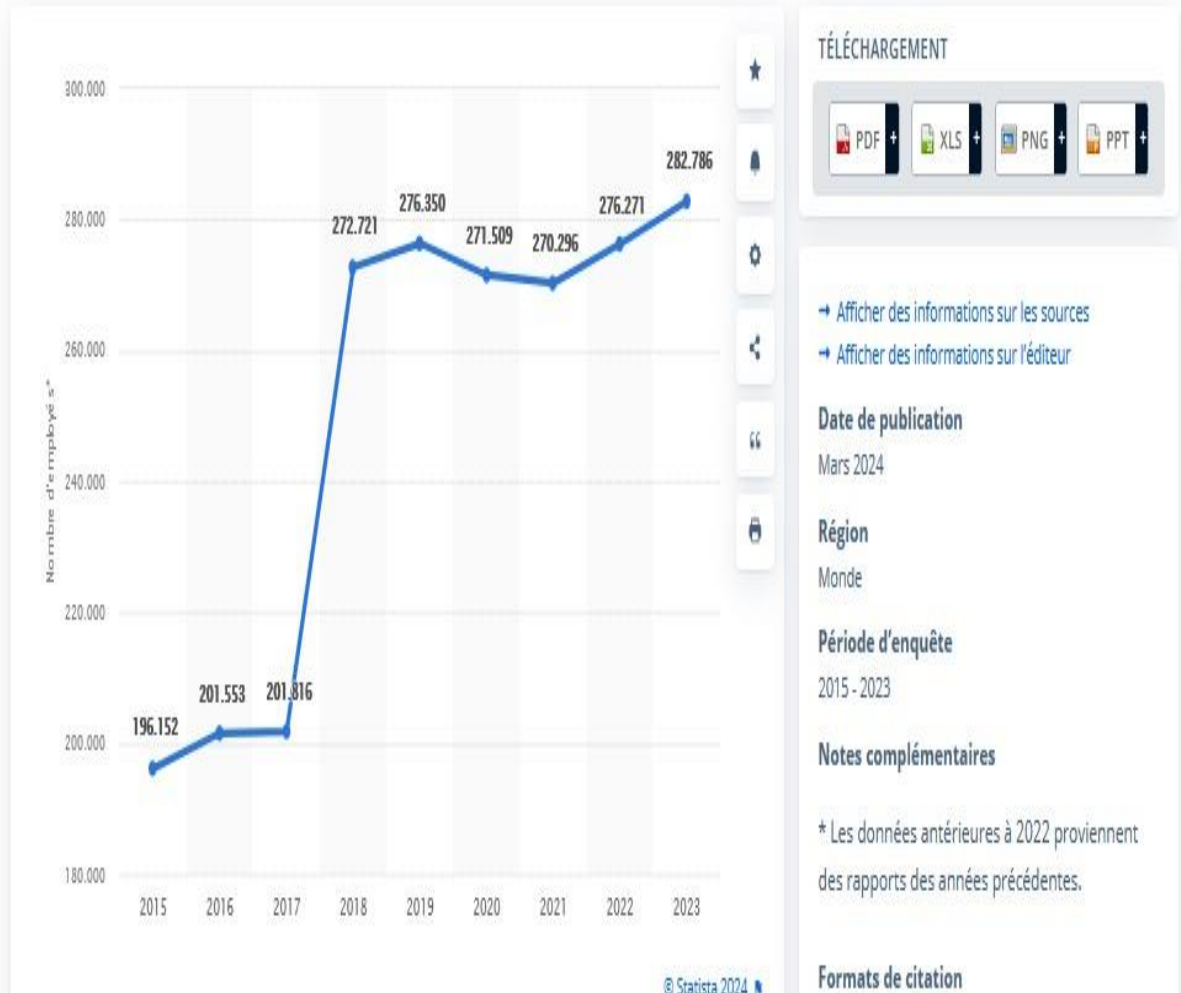
► 2. Caractéristiques des emplois en 2021

en %

	Ensemble	Femmes	Hommes	15-24 ans	25-49 ans	50 ans ou plus
Personnes en situation de sous-emploi	6,4	8,6	4,3	10,4	6,0	6,1
Temps de travail						
Temps complet	82,0	72,0	91,7	76,4	84,8	78,6
Temps partiel	18,0	28,0	8,3	23,6	15,2	21,4
Statut d'emploi¹						
Indépendants, dont :	12,6	9,5	15,6	3,8	11,8	16,5
<i>Micro-entrepreneurs</i>	3,0	2,9	3,1	1,7	3,2	3,1
Salariés	87,4	90,5	84,4	96,3	88,2	83,5
Emploi à durée indéterminée	73,7	75,8	71,7	40,6	77,2	76,6
CDD de moins de 3 mois	2,0	2,5	1,6	8,3	1,6	1,2
CDD de 3 mois ou plus	5,5	6,9	4,3	12,3	5,7	3,3
CDD de durée inconnue	0,2	0,2	0,2	0,4	0,1	0,1
Intérim	2,0	1,3	2,7	5,6	2,0	1,0
Alternance, stage	2,9	2,8	3,1	26,7	0,9	0,0
Groupe socioprofessionnel¹						
Agriculteurs	1,5	0,8	2,2	0,5	1,1	2,6
Artisans, commerçants et chefs d'entreprise	6,5	4,1	8,8	1,7	6,2	8,4
Cadres	21,6	18,7	24,3	8,5	23,2	22,1
Professions intermédiaires	24,7	27,2	22,4	22,5	26,7	21,7
Employés	26,2	41,1	11,8	36,5	24,3	26,6
Ouvriers	19,1	7,6	30,0	28,8	18,2	18,0
Ensemble	100,0	100,0	100,0	100,0	100,0	100,0

در چنین راستایی سهم کارگران راه آهن فرانسه را در جدول زیر و مطابق با آمار رسمی فرانسه که همان "انسی" است که تا سال قبل یعنی 2023 به مجموعه ای از کارگران و پرسنل آن به تعداد 282786 میرسد که با رشد نسبی آن از سال 2015 تا سال 2023 نشان داده می شود ملاحظه می کنید.

Nombre d'employés de la Société Nationale des Chemins de fer Français (SNCF) de 2015 à 2023



در زیر با جدول شاغلین پرسنل بهداشتی و درمانی با نمود سالانه آن پی خواهیم برد که باز مطابق با آمار رسمی فرانسه یعنی "انسی" ارائه شده است.

Fiche 05 - Les évolutions des effectifs salariés du secteur hospitalier.pdf

"(1).pdf

اگر بخواهیم تمام بخش‌های متفاوت کارگری را در یک مجموعه‌ی واحدی قرار دهیم، تعداد شاغلین آن گسترده‌تر خواهند شد. ولی حاکمیت سیاسی فرانسه آمارهایی را از خود تولید می‌نماید و آنرا جهت تبلیغ در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهد که غالبین صحت ندارد. بعنوان نمونه در سال قبل که تورم اقتصادی مردم بالا می‌گرفت و قیمت اقلام مصرفی و پوشاکی بصورت تقریبین سرسام‌آوری بالا می‌رفت، دولت آقای ایمانوئل ماکرون تورم را به حاشیه می‌کشاند و آنرا جدی نمی‌داند. ولی من در یک مقاله به زبان فرانسه (1) در پنجم اکتبر 2023 مطابق با بخش آمار اقتصاد جهانی سازمان ملل "تولید ناخالص داخلی" فرانسه را در سرآشویی انتشار داده بودم که مطابق با آن پائین‌تر از بعضی کشورهای اروپایی و نیز از جمله بسی پائین‌تر از چین، آمریکا، روسیه، هند و برزیل قرار می‌گرفت و اکنون در سال 2024 مقروض بودن صندوق مالی و طرح آن از طرف وزیر اقتصاد فرانسه اختلافی را در همین زمینه بین "برونو لومر" Bruno Le Maire یعنی وزیر اقتصاد و ایمانوئل ماکرون رئیس‌جمهور را موجب گردیده است. بنابراین فرانسه از نظر اقتصادی در وضعیتی قرار دارد که در آینده بحران موجود گسترده‌گی بیشتری خواهد یافت و این مسئله دلیلی برای طعنان‌هایی از پائین خواهد شد. در چنین شرایطی است که دولت "گابریل آتال" (Gabriel Attal) نخست‌وزیر 34 ساله فرانسه همراه ماکرون از آنجا که با مشکلات عدیده‌ی ساختاری روبرو می‌باشند، فشار مضاعفی را به طبقه کارگر تحمیل می‌کنند که از بطن فساد و تبعیض آشکار نظام سرمایه‌داری فرانسه بر می‌خیزد که همواره به ابتدایی‌ترین حقوق معیشتی کارگران و نیز بیکاران تهاجم می‌آورد. بعنوان نمونه از اکتبر سال 2018 پرداخت مالیات به حساب حقوق بیکاری کارگران کاملن حذف می‌شود و بجای آن CSG جایگزین می‌شود. ولی "س اس ج" مالیاتی است که همه‌ی شهروندان جامعه‌ی فرانسه بر مبنای درآمد اخذ شده از طریق URSSAF به صندوق دولت پرداخت می‌کنند. در اینجا دولت ابتکار عمل دارد در صورتیکه قبل از اکتبر 2018 صندوق کمک اجتماعی بوسیله کارگران و کارفرمایان اداره می‌گردید و جایگزینی CSG بطور کامل کنترل بخش کارگری را برباد داد. در تداوم چنین سیاست ضد کارگری، در سال 2021 حداقل کار برای قرار گرفتن و دریافت حقوق بیکاری 4 ماه بود ولی

نخست وزیر وقت ایمانوئل ماکرون یعنی خانم "بورن" Born آنرا به مدت 6 ماه افزایش داد و بالاخره در سال قبل یعنی در فوریه 2023 مدت حقوق بیکاری به میزان 25 درصد کاهش مییابد و از دو سال به 18 ماه می رسد. انعکاس قوانین ضد کارگری جدید بوسیله ی ریاست جمهوری ماکرون نتیجه ی خود را می دهد و بر پایه ی چنین موازینی، 64 درصد از بیکاران از حقوق بیکاری محروم اند و فقط 36 درصد حقوق بیکاری به آنها تعلق می گیرد. این محرومیت وضعیتی را بوجود می آورد که فقط میباید از RSA که در واقع زیر خط فقر است، کمک اقتصادی برای بیکاران دریافت گردد. نرخ بیکاری در فرانسه را باید از مقدار 7 تا 9 درصد برآورد نمود. (2).

در چنین تهاجماتی که امپریالیسم فرانسه به طبقه ی کارگر روا می دارد، مقاله ای از طرف رفیق سیاوش دانشور بنام "پیروزی کارگران فرانسه" انتشار می یابد که در آن موفقیت کارگران راه آهن فرانسه از روی عدم اطلاعات کافی به مجموعه ی کارگران فرانسه نسبت داده شده که بسیار از واقعیت جاری فاصله گرفته است. سؤال اینجاست که چگونه میتوان حساب شاغلین 282786 را که شامل تمامی پرسنل SNCF و RATP می شود، در بخش اخذ حقوق بازنشستگی به حساب حداقل 30 میلیون از کارگران آورد. این را هم باید متذکر گردید که دولت با امضای آن توافقی ندارد و در تاریخ 6 مه وزیر اقتصاد آقای "برونو لومر" اعلام کرده است که پس از بازی های المپیک پاریس "ژان - پی یر فراندو" مسئول راه آهن فرانسه که توافق بازنشستگی را به امضا رسانده بود، انتخاب مجدد نخواهد شد، با آنکه "فراندو" خود را از قبل برای حفظ این مقام کاندید کرده بود. (البته توافق بازنشستگی کارگران راه آهن اختیاری است و اگر هدایت کنندگان قطار و مترو و نیز آنهایی که در رابطه با "کنترل" فعالیت دارند بخواهند، می توانند دو سال زودتر از موعد 64 سال تقاضای بازنشستگی کنند). اینکه در آینده برای کارگران راه آهن فرانسه چه وضعیتی پیش خواهد آمد به مبارزه ی آنها بستگی خواهد داشت.

فشار شدید سیاسی امپریالیسم فرانسه به مخالفین!

فرانسه بیش از پیش منافع خود را در آفریقا از دست داده است و بجای آن چین و روسیه قرار گرفته اند. هر چند برآمد سیاسی - اقتصادی این دو کشور در آفریقا که حتمن کمی کمتر از امپریالیست های غربی، ظلم روا خواهند داشت، ولی باید به آفریقایی ها اعلام نمود که هم چنین نباید به امپریالیست های چین و روسیه اعتماد کرد. از یک طرف شکست مذکور در آفریقا و گسترش هر چه بیشتر جنگ در اوکراین و نیز بین اسرائیل و فلسطین و از طرف دیگر بحران اقتصادی و کمبود صندوق مالی و مقروض بودن آن که از مرز 3000 میلیارد یورو گذشته است (3) و همچنین روی آوری به اقتصاد جنگی، امپریالیسم فرانسه را در اتخاذ سیاست خویش دچار آشفتگی قرار داده که بعضی از این سیاست ها را فقط می توان در لرزش های روان - پریشی سیاسی مورد ارزیابی قرار داد. او به همه ی مخالفین خود حمله ور می شود. در رابطه با جنگ اسرائیل با فلسطین خواهان آتش بس است ولی تا می تواند به دولت اشغالگر و تجاوزگر راست افراطی اسرائیل سلاح نظامی می دهد. مخالفین جنگ بین فلسطین و اسرائیل را که در ضمن از حقوق فلسطینی ها به دفاع برخاسته اند، به تروریسم می بندد. حتا به پارلمانتاریست های چپ نیز رحم نمیکند و بسیاری از آنها را محکوم به زندان و یا ارائه ی جریمه ی نقدی نموده است. سر گروه نمایندگان پارلمانی LFI یعنی خانم "ماتیلد پانوت" Mathilde Panot را دوباره به پلیس بعنوان یاری رساندن به تروریسم، احضار می نماید. به "ژان - لوک ملانشون" رهبر و بنیان گذار LFI که در انتخابات ریاست جمهوری 2022 بعنوان سومین نیروی سیاسی فرانسه هشت میلیون رای آورده بود به اتهام "ضد یهودی" یعنی "آنتی سیمیت" به وی اجازه بحث در دانشگاه شهر "لیل" نمی دهند (در صورتی که ملانشون در خانواده ی یهودی متولد شده ولی از حقوق فلسطینی ها دفاع می کند. او نماد یک چپ بورژوازی است و چپ ترین پارلمانتاریست فرانسه محسوب می گردد)، این همه در تاریخ "جمهوری پنجم" فرانسه بیسابقه است. خیلی از فعالین چپ انقلابی و حتا فرمیست ها را به دلیل دفاع از فلسطین و محکوم نمودن کشتار دستجمعی دولت تروریستی نتانیاهاو به زندان با جریمه ی نقدی محکوم کرده است که برای گریز از زندان باید پول پرداخت کنند. این همه وضعیت سیاسی - اجتماعی قدرت سیاسی فرانسه را دچار بحرانی ساخته که روز به روز گسترش هر چه

بیشتری مییابد. این است شرایط بحرانی امپریالیسم فرانسه که نیز به نوعی بطور مستقیم در جنگ روسیه و اوکراین علیه روس ها قرار گرفته است. اگر احتمالان جنگی صورت گیرد باید این جنگ به انقلاب کارگری و برقراری حکومت شورایی دگرذیسی یابد. ولی اینبار نه فقط کمون پاریس بلکه کمون فرانسه پا به صحنه خواهد گذاشت.

20 اردیبهشت 1403 - 9 مه 2024

منابع:

– (1) - discours anti-impérialiste dans les concepts économique et politique –

Ahmad André Bekhrad-tab

<http://chiran-echo.org/1728/>

(2) - موازین جدید بیکاری گرفته شده از نشریه FAKIR شماره 112 که هر دو ماه یکبار منتشر

می شود.

(3) - لوموند 20 فوریه 2024.